

جو تاد استتون

آزاده کاهیار



راز صخره‌ی سیاه



ناسرخیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



ارین پایک با مادر و سگش آرچی نزدیک شهر بزرگی زندگی می‌کرد
که بیشتر مردمش ماهیگیر بودند.





ارین آرزو داشت برود دریا،
اما مردم می‌گفتند رفتن به دریا خیلی خطرناک است، به خاطر...





افسانه‌ی صخره‌ی سیاه!

هر کدام از ماهیگیرها داستانی ترسناک درباره‌ی این صخره تعریف می‌کردند:



«هیچ وقت یک‌جا بند نمی‌شود و اگر قایقی به آن بخورد هزار تکه می‌شود!»



«به اندازه‌ی یک کوه بزرگ است و به اندازه‌ی اژدهماهی، تیز!»